

زبانت از دېگاه آنه ﷺ

نویسنده: دکتر عبد الهادی حسینی

مترجم: زین العابدین ابراهیمی

[en\\_haghighat@yahoo.com](mailto:en_haghighat@yahoo.com)

فهرست مطالب

رد	عنوان	صفحه
۱	عرض هجره	۴
۲	پیشگفتار	۱۲
۳	نهی از مسجد قرار دادن قبر	۱۳
۴	نهی از ساختن بنا بر روی قبر و ترغیب به خراب کردن آن	۱۷
۵	باند ساختن قبر	۲۰
۶	کارهای حرامی که کنار قبرها انجام می‌گیرد	۲۶
۷	انتظار نفع و ضرر	۲۶
۸	انتظار شفاعت و توسل	۲۹
۹	کمک خواستن از مرده	۳۱
۱۰	نذر کردن برای مرده	۳۴
۱۱	قسم خوردن به صاحب قبر	۳۶
۱۲	طواف به دور قبر	۳۸
۱۳	سوکواری و به سر و صورت و سینه زدن	۳۹
۱۴	مخلوط بودن زن و مرد در زیارتگاهها	۴۱
۱۵	چند پرسش احتمالی و پاسخ آن	۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن هارجر

همچنانکه خواننده ی عزیز مستحضر است هدف از آفرینش این جهان پهناور اعم از آسمان، زمین، ستاره، خورشید، مهتاب، کهکشانها، ابر، باد، آب، خاک، گیاه، درخت، میوه، انسان، فرشته، جن، شیاطین، بهشت و دوزخ همه این است که پروردگار بزرگ کائنات به یکتایی مورد ستایش و پرستش قرار گیرد.

ذات متعال او با اینکه از هر گونه مدح و ثنایی بی نیاز است همه را برای آزمایش در خدمت انسان قرار داده و انسان را مکلف به پرستش کرده است، بنابراین آنچه در این جهان از ما خواسته شده فقط پرستش ذات الله متعال نیست بلکه یکتا پرستی آن یگانه معبود کائنات است، لذا همه ی پیامبران خصوصاً سرور جهان هستی، رسول گرامی صلی الله علیه و آله، همواره تلاش کرده اند مردم را از توجه به غیر الله باز دارند و بسوی خدا متوجه کنند، بنابراین عجیب نیست که خداوند خطاب به شخص رسول الله صلی الله علیه و آله بفرماید: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(۱) سوره زمر آیه ۶۵.

«ای پیامبر اگر تو هم شرک بیاوری قطعاً عمل تو بر باد خواهد رفت و در آخرت از زیانکاران خواهی بود».

لذا رسول الله صلی الله علیه و آله هم همواره سعی داشته اند از تمام مظاهر شرک جلوگیری بعمل آورند، و یکی از بزرگترین مظاهر شرک افراط در اظهار محبت نسبت به قبور پیامبران و اولیاء، صالحان است، البته هر قبری ممکن است مورد محبت و توجه افراد ناآگاه قرار گیرد، اما علت این است که چون احساس محبت و ارادت نسبت به اینها بیشتر است، لذا احتمال خطرهم درباره آنان قوی تر می باشد. چون انگیزه منع ساخت گنبد و بارگاه و ضریح، جلوگیری از خرافات و خدای نکرده شرک است، لذا چنین احتمالی به دلیل تقدس مقام و منزلت ایشان و محبت فوق العاده ای که مردم نسبت به اینها دارند، خیلی بیشتر است.

اصولاً قبر افراد عادی خیلی مورد توجه مردم قرار نمی گیرد به اندازه ای که قبر یک پیامبر و امام و امامزاده مورد توجه قرار میگیرد، بنابراین امروز در هر جایی که قبر یا مزاری محل رفت و آمد مردم و ارادتمندان متأسفانه جاهل قرار میگیرد یا منسوب به پیامبری است یا به امام و امامزاده ای و یا به شخص صالح و نیکو کاری.

قابل تذکر است که زیارت قبور، سنت رسول گرامی صلی الله علیه و آله است، ایشان فرمودند: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور إلا فزوروها فإنها تذكركم الآخرة»<sup>(۱)</sup>.

«من شما را از زیارت قبور نمی کرده بودم اکنون می گویم قبرها را زیارت کنید زیرا که انسان را به یاد آخرت می اندازد». پس زیارت قبرها یک سنت نبوی است لازم است که هر انسان بویژه مؤمنان گاهی به قبرستان سر بزنند و زندگی پس از مرگشان را به یاد بیاورند کنند تا اینکه از خدا و آخرت غافل نمانند. اما زیارت قبور آدابی دارد که در سنت صحیح ثبت شده است، اول اینکه دعای زیارت قبور را بخواند، «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، وإنا إن شاء الله بکم لاحقون أسأل الله لنا و لکم العافیة»<sup>(۲)</sup>.

«سلام بر شما باد ای مؤمنان آرمیده، شما از ما سبقت گرفتید ما هم إنشاء الله بزودی به شما ملحق خواهیم شد».

(۱) ترمذی، ابن ماجه، أحمد.

(۲) مسلم.

از دیگر آداب زیارت قبور این است که روی قبر ننشینند، قبر را لگدمال نکند، در قبرستان نماز نخواند، از خداوند غافل نشود، از مردگان کمک و نیاز نخواهد و غیره.

با بررسی تاریخ شرك در قرآن می بینیم که در زمان نوح علیه السلام خداوند جهان را با طوفان از هرگونه کفر و شرك و خرافات پاک کرد، اما ظهور مجدد شرك بوسیله ارادتمندان جاهل به شخصیت‌های صالح و محبوب و محترم صورت گرفت و شیطان از نام پاک آنان سوء استفاده کرد و توجه مردم را به سوی آنان جلب نمود و در ابتدا فقط محبت و ارادت مطرح بود و نه چیزی بیش از این، کم کم چنین وانمود کرد که برای اینکه این افراد صالح فراموش نشوند بهتر است برایشان مجسمه‌هایی بسازیم تا با دیدن این مجسمه‌ها به یاد آنان بیفتیم، همین جهل مفرط بود که کم کم راه را برای پرستش و کمک خواستن و شفیع و وسیله قرار دادن آنان، هموار کرد.

این یک واقعیت است که در طول تاریخ هرگاه شیطان خواسته به مقصود اصلی اش برسد، از نام مقدس بزرگان استفاده کرده است. عیسی علیه السلام و عزیر علیه السلام که تقصیری نداشتند، یا

عیسی پرستان و عزیز پرستان که دشمن آنها نبودند، بهانه آن‌ها دوستی و محبت بود. اما افراط و تفریط همواره انسان را هلاک می‌کند، دوستی بیش از حد، انسانهای مؤمن و بسیار مخلص و ارادتمند را به ورطه هلاکت می‌کشد و در هر عصر و زمانی که شما ملاحظه کنید می‌بینید بزرگترین سبب گمراهی مردم، شخصیت‌های مورد احترام آنان بوده‌اند.

نه از راه دشمنی بلکه به بهانه دوستی و محبت، مگر همین بت‌هایی که مشرکین مکه داشتند چه بود؟ همه آنان عبارت از مجسمه‌های افراد صالح و نیکو کاری بودند که تمام جامعه نسبت به آنان محبت و ارادت داشتند، لذا مشرکین نمی‌گفتند: ما اینها را می‌پرستیم بلکه آنها را وسیله نزدیکی به خدا می‌دانستند، همین منطقی که متأسفانه امروز ما داریم. نعوذ بالله خدای قادر و توانا را به انسان عاجز و ناتوانی تشبیه می‌کنیم که هیچ قدرتی ندارد می‌گوییم همچنانکه شخصی برای رسیدن به یک رئیس جمهور از افراد نزدیک به او کمک می‌گیرد، ما هم که گنهکار و روسیاه هستیم و پیش خدا آبرو و اعتباری نداریم برای رسیدن به خدا باید از دوستانش کمک بخواهیم؛ چون اینها افراد محبوب در نزد



خدا هستند و می توانند مشکل ما را به خدا بگویند! چه منطق جاهلانه ای! مگر خدا نعوذ بالله مثل رئیس جمهور یا هر مخلوق دیگری عاجز است؟! خداوند عالم الغیب است هر پنهان و آشکار را می داند، و از رگ گردن به ما نزدیک تر است. خداوند میفرماید: ﴿ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴾<sup>(۱)</sup>.  
« و ما از رگ گردن به او (انسان) نزدیکتریم».

﴿ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾<sup>(۲)</sup>.

«مرا بخوانید تا خواسته ی شما را اجابت کنم».

ما در هر رکعت نماز با خدا عهد می بندیم که:

﴿ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴾<sup>(۳)</sup>.

«خدایا تنها ترا می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم».

ما چگونه خدا را به یکتایی می پرستیم و غیر او را پرستش نمی کنیم، ما چگونه فقط از او کمک می خواهیم و از غیر او کمک نمی طلبیم، که نمی توانیم مشکلات خود را خودمان با او در میان بگذاریم، عجب جهلی دامن ما را گرفته است! چه وقت

(۱) سوره ق آیه ۱۶.

(۲) سوره غافر آیه ۶۰.

(۳) سوره الفاتحه آیه ۵.

می خواهیم بیدار شویم؟ چه وقت می خواهیم بفهمیم؟ چه وقت می خواهیم از این ذلت و خواری نجات بیابیم؟ تا چه وقت می خواهیم همچنان مانع نزول رحمت و نصرت خدا باشیم؟! خداوند که با ما شوخی ندارد، دین خدا که شوخی پذیر نیست، بهشت و دوزخ که افسانه نیست، مرگ و حساب و کتاب که توهم و خیال نیست.

اگر ما به همه ی این ها ایمان داریم، قرآن را کتاب آسمانی و دستور زندگی می دانیم، و خداوند را یگانه معبود و کارساز و مشکل گشا می دانیم پس چرا خود را از چنگ این خرافات نمی رهانیم؟ چرا آنگونه که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه اخیار و اهل بیت اطهارش علیهم السلام خدا را می پرستیدند، خدا را نمی پرستیم؟ دین یکی است، کتاب یکی است، آیات و نصوص و دلائل یکی است، پس چرا حاضر نمی شویم دست از این خرافات برداریم و مانند صحابه و اهل بیت به ریسمان خدا چنگ بزنییم و دین را همچنان که آنان فهمیده اند بفهمیم! پس بیاییم اسلام را از این بدنای نجات بخشیم و لکه های ننگی را که بر دامن پاک آن مالیده ایم شستشو دهیم تا دشمنان بهانه پیدا نکنند و اسلام را به

باد تمسخر نگیرند. شما تصور کنید يك دانشمند غربی بیايد و فلان ضریح و بارگاه و مزار فلان امام و امامزاده را ببیند، یا صحنه های تکان دهنده ی عزاداری را مشاهده کند چه حالتی به او دست خواهد داد، فرض کنید کنار یکی از ما نشسته باشد و راز و نیاز ما را با فلان امام و امامزاده گوش کند چه تصویری خواهد داشت، فرض کنید خواسته های ما را از فلان امام و بزرگ بشنود چه برداشتی از اسلام خواهد داشت؟ پس بیاییم اسلام را آنچنانکه هست بشناسیم و خرافات را از دامن پاك آن بزدائیم. إن شاء الله. پیروز باشید.

پیشگفتار

**الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی محمد وآله الطیبین  
الطاهرین وأصحابه المنتجبین وبعد:**

خدمت همه دوستداران و پیروان صادق اهل بیت علیهم السلام سلام  
فراوان تقدیم می داریم.

همچنانکه می دانید از امامان اهل بیت علیهم السلام روایات زیادی نقل شده که بعضی صحیح و بعضی هم به دروغ از زبان آنان بافته شده است.

یکی از مهمترین مسائلی که ارتباط مستقیم با علمکرد هر مسلمان و عقیده او دارد و هر صبح و شام به آن محتاج است دعا می باشد، یعنی خداوند سبحان را در هر مشکل و نیازی خواندن، و به مردگان نیکویی کردن، (یعنی به زیارت آنان رفتن و برایشان دعا نمودن و از طرف آنان صدقه دادن و غیره)، لذا بر آن شدم که مطالبی را از ائمه علیهم السلام در این زمینه از کتب معتمد و معتبر حدیث جمع آوری کنم، روایاتی که با قرآن کریم و سیرت پاک ائمه هماهنگی داشته باشد و مخالف آن ها نباشد، سعی کردم خیلی مختصر و کوتاه باشد تا باعث ملال خاطر و خستگی عزیزان نگردد، اگر واقعیت زیارت قبور را بررسی کنیم می بینیم که متأسفانه از دو حال خالی نیست، یا افراط و یا تفریط، عده ای اصلاً رغبتی به زیارت قبور که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است و انسان را به یاد سختی و تاریکی قبر و هول آخرت می اندازد ندارند و عده ای دیگر به قدری غلو و افراط می کنند که چه بسا منجر به - نعوذ بالله - شرك و گناه کبیره می گردد.

پس اینک مجموعه ای را از روایات اهل بیت علیهم السلام که دلالت صریح بر نهی از ساختن قبور، و جشن گرفتن بر گرد آنان دارد خدمت شما تقدیم می داریم به امید آنکه مورد قبول خداوند متعال و مورد پسند شما سروران عزیز قرار گیرد. و باشد که این مواعظ دلهای پزمرده ما را شاداب گردانیده و همه را بسوی خیر و سعادت و رستگاری هدایت کند. آمین.

نهی از مسجد قرار دادن قبر

عموماً از روایاتی که در این زمینه آمده، سه موضوع استنباط می شود، و این سه محور همواره مورد نهی ائمه علیهم السلام بوده است.  
 اول: نماز خواندن بر قبر، یعنی سجده بر آن.  
 دوم: اینکه قبر را قبله قرار داده و به سوی آن سجده و دعا کنند.

سوم: ساختن مسجد بر روی قبر و نماز خواندن در آن.

حدیث اول: از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که:  
 «لاتتخذوا قبري قبلة ولا مسجداً، فإن الله لعن اليهود حیث

اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد»<sup>(۱)</sup>.

«قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید زیرا خداوند یهود را به علت اینکه آنان قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار دادند لعنت کرد.»  
حدیث دوم: از زراره روایت است که خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم راجع به نماز خواندن در جاههای خالی در قبرستان چه میفرمایید؟ فرمود: در جاههای خالی نماز بخوان بشرطی که قبری را قبله قرار ندهی، یعنی جلو نمازت قبری نباشد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرده و فرموده اند: «لا تتخذوا قبوری قبله ولا مسجداً، فإن الله تعالی لعن الذین اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد»<sup>(۲)</sup>.

«قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید که خداوند متعال کسانی که قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار داده اند لعنت کرده است.»

حدیث سوم: از ساعه ابن مهران روایت است که گفت: درباره زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در

(۱) من لا یحضره الفقیه ۱/۲۲۸، وسائل الشیعة ۲/۸۸۷.

(۲) علل الشرائع ص ۳۵۸.

کنار قبر مسجد ساخته نشود<sup>(۱)</sup>.

حدیث چهارم: از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «در ده جا نماز خواندن جایز نیست: گل، آب، حمام، قبرستان، راه، خانه مورچه، اصطبل شتر، مجرای سیل، شوره زار، برف»<sup>(۲)</sup>.

صدوق بعد از ذکر این روایت، می نویسد: هرگز جایز نیست که قبر قبله یا مسجد قرار داده شود. نماز در صورتی در جاهای خالی قبرستان جایز است که قبر در طرف قبله قرار نگیرد مستحب این است که بین نمازگزار و قبر از هر طرف ده گز (پنج متر) فاصله باشد.

حدیث پنجم: از عمار ساباطی روایت است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره ی کسی که در قبرستان نماز می خواند چه می فرمایید؟ فرمود: «لا یجوز ذلك إلا أن يجعل بينه وبين القبور إذا صلى عشرة أذرع من بين يديه، وعشرة أذرع من خلفه، وعشرة أذرع عن يمينه، وعشرة أذرع عن يساره، ثم

(۱) فروع الكافي ۳/۲۲۸، من لا يحضره الفقه ۸۲۱، وسائل الشیعة ۲/۸۸۷.

(۲) فروع الكافي ۳/۳۹۰، من لا يحضره الفقيه ۱/۱۷۱.

یصلی إن شاء»<sup>(۱)</sup>.

«جایز نیست مگر اینکه هنگام نماز خواندن از هر طرف ده گز (پنج متر) بین او و قبر فاصله وجود داشته باشد، ده گز جلو، ده گز عقب، ده گز سمت راست و ده گز سمت چپ، آنگاه اگر خواست می تواند نماز بخواند».

ممکن است پرسشی مطرح شود که این روایت با روایت دیگری که از امام رضا علیه السلام نقل شده تناقض دارد که فرمود: «لا بأس بالصلاة إلى القبر ما لم يتخذ القبر قبلة»<sup>(۲)</sup>.

«اگر قبر را قبله قرار ندهد اشکالی ندارد که در قبرستان نماز بخواند».

طوسی چنین پاسخ می دهد: وجه جمع بین دو روایت این است که حکم جواز در صورتی است که بین او و قبرستان مانعی وجود داشته باشد، مثلاً دیواری قرار داشته باشد و اما اگر دیوار یا مانع دیگری نباشد باید از هر طرف ده گز فاصله داشته باشد<sup>(۳)</sup>.

نهی از ساختن بناء بر روی قبر و ترغیب به خراب کردن آن

۱- امام صادق علیه السلام می فرماید: «كلما جعل علی القبر من

(۱) فروع الكافي ۳/۳۹۰، الاستبصار ۱/۳۹۷.

(۲) استبصار ۱/۳۹۷ و غیره.

(۳) استبصار ۱/۳۹۷.



غیر تراب القبر فهو ثقل علی المیت).

یعنی: «هر چیزی که غیر از خاک خود قبر بر روی قبر گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینی می کند»<sup>(۱)</sup>.

۲- از امام صادق علیه السلام روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده اند: «نهی أنه یُزاد علی القبر تراب لم یُخرج منه»<sup>(۲)</sup>.  
«نهی فرمودند جز خاکی که از خود قبر بیرون آورده شده خاک دیگری بر آن ریخته شود».

۳- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: (من جدد قبراً، أو مثل مثلاً فقد خرج من الإسلام)<sup>(۳)</sup>.

«کسی که قبری را باز سازی کند یا تمثالی بسازد یقیناً و بدون شک از اسلام خارج شده است».

۴- از امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بعثنی رسول الله صلی الله علیه و آله إلى المدینة فقال: لا تدع صورة إلا محوتها، ولا قبراً إلا سویته، ولا کلباً إلا قتلته»<sup>(۴)</sup>.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هر عکسی را

(۱) من لا یحضره الفقیه ۱/۱۳۵.

(۲) فروع الکافی ۳/۲۰۲، وسائل الشیعة ۲/۸۶۴.

(۳) من لا یحضره الفقیه ۱/۱۳۵، وسائل الشیعة ۲/۸۶۸.

(۴) وسائل الشیعة ۲/۸۶۹، ۳/۶۲.

دیدنی نابود کن، و هر قبری را دیدی هموارش کن، و هر سگی را دیدی بکش».

۵ - از امام صادق علیه السلام روایت است که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بعثني رسول الله ﷺ في هدم القبور وكسر الصور»<sup>(۱)</sup>.

«رسول الله ﷺ مرا فرستادند تا اینکه قبرها را هموار کنم و بتها را بشکنم».

۶ - از علی بن جعفر روایت است که از امام موسی کاظم پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن جایز است؟ فرمود: «لا يصلح البناء عليه ولا الجلوس ولا تجصيصه ولا تطيينه»<sup>(۲)</sup>.  
«ساختن قبر و نشستن بر آن و گچ کردن و گل کردن آن جایز نیست».

۷ - از امام صادق علیه السلام روایت است که گفت: «نهی رسول الله ﷺ أن يُصلى على قبر أو يُقعد عليه أو يُبنى عليه أو يُتكأ عليه»<sup>(۳)</sup>.

(۱) وسائل الشیعة ۲/۸۷۰.

(۲) الاستبصار ۱/۲۱۷، ووسائل الشیعة ۲/۸۶۹.

(۳) الاستبصار ۱/۴۸۲، ووسائل الشیعة ۲/۷۶۹، و ۸۹۵.

«رسول الله صلی الله علیه و آله از نماز خواندن بر روی قبر، و نشستن بر آن، و ساختن بنا بر روی آن، و تکیه زدن به آن را منع فرمودند».

۸- از امام صادق علیه السلام روایت است که می فرمود: «لما قبض أمير المؤمنين؛ أخرجه الحسن والحسين ورجلان آخران حتي إذا خرجوا من الكوفة تركوها عن أيمنهم ثم أخذوا الجبابة حتى مروا به إلي الغري فدفنوه وسووا قبره فانصرفوا»<sup>(۱)</sup>.

«هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام فوت نمود حسن و حسین و دو نفر دیگر ایشان را حمل کردند تا اینکه از کوفه بیرون رفتند... و آنگاه ایشان را دفن کردند و قبرش را با زمین هموار نمودند و رفتند».

شیخ طائفه ابوجعفر طوسی می نویسد: دفن کردن مرده در هیچ مسجدی جایز نیست. همچنین می نویسد: گنج کردن قبر، و در سایه قرار دادن قبر، و قیام کردن در کنار قبر، و بازسازی آن بعد از خراب شدنش، مکروه است. البته اگر در هنگام دفن، خاک قبر مرتب شود اشکالی ندارد<sup>(۲)</sup>.

(۱) أصول الكافي ۱/۵۸ - كتاب الحجة - باب مولد أمير المؤمنين صلوات الله عليه رقم ۱۱.  
(۲) النهاية ص ۴۴.

و عمادالدین بن علی طوسی می نویسد: نوزده چیز مکروه است از جمله: گچ کردن قبر، و سایه قرار دادن قبر، و مجاورت قبر، و بازسازی آن بعد از خراب شدنش<sup>(۱)</sup>.

۹ - از امام صادق علیه السلام روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله از اینکه بر قبر ایشان نماز خوانده شود، یا نشسته شود، یا باز سازی شود، منع فرموده اند<sup>(۲)</sup>.

#### بلند ساختن قبر

از خلال روایات وارده در کتب تشیع آنچه بر می آید این است که قبر فقط از چهار انگشت تا یک وجب بلند می شود، که از چهار انگشت کمتر، و از یک وجب بیشتر جایز نیست.

روشن است که اگر بلند ساختن قبر طوری که در بعضی جوامع رایج است درست بود، نیازی نبود که امامان از بلند کردن آن منع کنند، یا برای آن مقداری مشخص کنند، ما در اینجا چند روایت بر می گزینیم:

روایت اول: از امام باقر علیه السلام روایت است که گفت: رسول

(۱) الوسيلة إلى نيل الفضيلة ص ۶۲ چاپخانه الآداب نجف.

(۲) وسائل الشیعة ۳/ ۴۵۴.

گرامی علیه السلام به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «یا علی، ادفنی فی هذا المكان وارفع قبري من الأرض أربع أصابع، ورشّ علیه الماء»<sup>(۱)</sup>.

«ای علی مرا در اینجا دفن کن، و قبرم را چهار انگشت از زمین بلند کن، آنگاه بر آن آب پاش».

روایت دوم: از امام جعفر صادق روایت است که ایشان از پدرش امام باقر نقل میکند: «أن قبر رسول الله صلی الله علیه و آله رفع شبراً من الأرض، وأنّ النبی صلی الله علیه و آله أمر برشّ القبور»<sup>(۲)</sup>.

«قبر رسول الله صلی الله علیه و آله يك وجب از زمین بلند شد، و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند که پس از دفن مرده بر قبر آب پاشیده شود».

روایت سوم: از امام صادق و ایشان از پدرش و پدرش از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت می کند که قبر پیامبر صلی الله علیه و آله يك وجب و چهار انگشت از زمین بلند شد و بر آن آب پاشیده شد، و فرمود: «والسنة أن یرشّ علی القبر الماء»<sup>(۳)</sup>.

«سنت این است که بر قبر آب پاشیده شود».

(۱) أصول الكافي ۱/۴۵۰، وسائل الشيعة ۲/۸۵۶.

(۲) وسائل الشيعة ۲/۸۵۷، علل الشرائع ص ۳۰۷.

(۳) وسائل الشيعة ۲/۸۵۸.

روایت چهارم: از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود:  
«إِنَّ أَبِي قَالَ لِي ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَرَضِهِ: إِذَا أَنَا مِتُّ فَغَسِّلْنِي وَكَفِّنِي  
وَارْفَعْ قَبْرِي أَرْبَعَ أَصَابِعَ وَرَشَّهُ بِالْمَاءِ»<sup>(۱)</sup>.

«هنگامی که پدرم مریض بود روزی به من فرمود: هرگاه  
مردم مرا بشویند و کفن کنید قبرم را چهار انگشت از زمین بلند  
کن و آنگاه بر آن آب پاش.»

روایت پنجم: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي أَنْ  
أَرْفَعِ الْقَبْرَ عَنِ الْأَرْضِ أَرْبَعَ أَصَابِعَ مَفْرَجَاتٍ، وَذَكَرَ أَنْ رَشَّ  
الْقَبْرَ بِالْمَاءِ حَسَنًا»<sup>(۲)</sup>.

«پدرم به من دستور داده است که قبرش را چهار انگشت  
جدا از یکدیگر از زمین بلند کنم، و فرمود که آب پاشیدن بر قبر  
خوب است.»

روایت ششم: همچنین از امام صادق علیه السلام روایت است که  
فرمود: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي أَنْ أَرْفَعِ الْقَبْرَ عَنِ الْأَرْضِ أَرْبَعَ أَصَابِعَ  
مَفْرَجَاتٍ، وَذَكَرَ أَنْ رَشَّ الْقَبْرَ بِالْمَاءِ حَسَنًا، قَالَ: تَوْضُأُ إِذَا  
أَدْخَلْتَ الْمَيْتَ الْقَبْرَ»<sup>(۳)</sup>.

(۱) فروع کافی ۳/۲۰۰، وسائل الشیعة ۲/۸۵۷.

(۲) فروع کافی ۳/۱۴۰، وسائل الشیعة ۲/۸۵۷.

(۳) وسائل الشیعة ۲/۸۵۷.

«پدرم به من دستور داد که ارتفاع قبر ایشان را از زمین چهار انگشت باز قرار دهم و فرمودند: که پاشیدن آب بر قبر خوب است و فرمود: پس از اینکه جنازه را داخل قبر گذاشتی وضو بگیر.»

روایت هفتم: از محمد بن مسلم روایت است که گفت: از یکی از دو امام (باقر یا صادق) در باره میت پرسیدم فرمود: «تسلم من قبل الرجلین وتلذق القبر بالأرض إلا قدر أربع أصابع مفرجات: تربیع وترفع قبره»<sup>(۱)</sup>.

«از طرف پاها بگیر و آنرا داخل قبر بگذار، و جز مقدار چهار انگشت باز، قبر را با زمین هموار کن.»

روایت هشتم: از طریق محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت است که گفت: «یدعی للمیت حین یدخل حفرة ويرفع القبر فوق الأرض أربع أصابع»<sup>(۲)</sup>.

«برای میت دعا شود و قبر به اندازه ی چهار انگشت از زمین بلند شود.»

روایت نهم: از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «يستحب أن يدخل معه في قبره جریده رطبة، ويرفع قبره من

(۱) فروع کافی ۱۹۵/۳، وسائل الشیعة ۸۵/۲.  
 (۲) فروع کافی ۲۰۱/۳، وسائل الشیعة ۸۵۶/۲.

الأرض قدر أربع أصابع مضمومة، وينضح عليه الماء ويخلى عنه»<sup>(۱)</sup>.

«مستحب است که با او شاخه تری در قبر گذاشته شود و قبرش به اندازه چهار انگشت بسته، از زمین بلند شود، آنگاه بر او آب پاشیده شود، سپس به حال خودش رها شود».

محمد آخوندی شارح کافی در شرح جمله «يخلى عنه» مینویسد: «أي لا يعمل عليه شيء آخر من جص وأجر وبناء ولا يتوقف عنده بل ينصرف عنه»<sup>(۲)</sup>.

«هیچ چیز دیگری بر او گذاشته و ساخته نشود، نه گچ، نه آجر، و نه دیوار، و کنار قبر نایستند بلکه بلافاصله برگردند».

سپس اضافه می کند روایات دیگری وجود دارد که هر کدام از این امور را تأیید می کند.

روایت دهم: در روایت طولانی که در آن وفات موسی بن جعفر علیه السلام ذکر شده آمده است: «فإذا حملت إلى المقبرة المعروفة بمقابر قریش فألحدوني بها ولا ترفعوا قبري فوق أربع أصابع

(۱) فروع الكافي ۱۹۹/۳، وسائل الشیعة ۸۵۶/۲.

(۲) حاشیه ۳ فروع کافی ۳۱۹۹.



مفرجات»<sup>(۱)</sup>.

«هنگامی که جنازه ی مرا بر دوش گرفتید و به قبرستان معروف قریش بردید در قبری دفنم کنید که لحد داشته باشد و قبرم را چهار انگشت باز، بیشتر از زمین بلند نکنید».

روایت یازدهم: محمد بن جمال الدین عاملي معروف به شهید اول می نویسد: «ورفع القبر عن وجه الأرض بمقدار أربع أصابع مفرجات إلى شبر لا أزيد ليعرف فيزار فيحترم»<sup>(۲)</sup>.  
«قبر فقط باید به اندازه چهار انگشت باز تا يك وجب بلند شود از ترس اینکه مبدا شناخته شود و مورد رفت و آمد و احترام (خلاف شرع) قرار گیرد».

روایت دوازدهم: شیخ طائفه أبو جعفر طوسي می نویسد:  
«فإذا أراد الخروج من القبر فليخرج من قبل رجله ثم يطم القبر ويرفع من الأرض مقدار أربع أصابع ولا يطرح فيه من غير ترابه»<sup>(۳)</sup>.

«کسی که جنازه را در قبر می گذارد هنگامی که می خواهد

(۱) عیون أخبار الرضا ۱/۸۴، وسائل الشیعة ۲/۸۵۸.

(۲) اللمعة الدمشقية ۱/۴۱۰.

(۳) النهایة ص ۳۹.

از قبر بیرون بیاید از طرف پا بیرون بیاید، سپس قبر پر شود و به اندازه ی چهار انگشت از زمین بلند شود، و غیر از خاک خود قبر چیز دیگری بر آن ریخته یا گذاشته نشود».

کارهایی حرامی که کنار قبرها انجام می گیرد:

متأسفانه محرمات زیادی در کنار قبرها انجام می گیرد که قرآن و سنت از آن باز داشته اند از جمله:

انتظار نفع و ضرر

اعتقاد داشتن به اینکه شخص مرده نفع و ضرر می رساند در حالیکه نفع رساننده و ضرر رساننده فقط ذات قادر متعال است. چنانکه می فرماید: ﴿ وَأَخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءِالِهَةً لَّا تَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا ﴾<sup>(۱)</sup>.

«(مشرکان) سواى خدا، معبودهائی را برگرفته اند (و به پرستش اصنام و کواکب و اشخاصی پرداخته اند) که چیزی را نمی آفرینند و خودشان آفریده هائی بیش نیستند، و مالک سود و

(۱) سوره فرقان آیه ۳.

زیانی برای خود نبوده، و بر مرگ و زندگی و رستاخیز اختیار و توانی ندارند».

و همچنین می فرماید: ﴿ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخَلَّقُونَ ﴿۲۰﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرٌ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿۲۱﴾ .

«معبودهایی را که آنها غیر از خدا می خوانند نه تنها چیزی را خلق نمی کنند، بلکه خودشان مخلوقند. آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند، و این بتها اصلاً نمی دانند در چه زمانی مبعوث خواهند شد».

پس چرا باید عاقل چیزهایی را بپرستد که از فرا رسیدن قیامت بی خبرند و سود و زیانی نمی رسانند!

و می فرماید: ﴿ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿۵۱﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿۵۲﴾ .

«ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: معبوهایی را که غیر از خدا

(۱) سوره نحل آیه ۲۰ - ۲۱.

(۲) سوره اسراء ۵۶ - ۵۷.

شایسته‌ی پرستش می‌پندارید (به هنگام بلا، به کمک) بخوانید، اما (خواهید دید که) نه توانایی دفع زیان و رفع بلا را از شما دارند، و نه می‌توانند آن را دگرگون سازند (و ناخوشیها را به خوشی‌ها تبدیل کنند و یا اینکه از اندوه دردها بکاهند). آن کسانی را که به فریاد می‌خوانند آنان را که از همه مقرب‌ترند (به درگاه خداوند، همچون عیسی و عذیر و فرشتگان) برای تقرّب به پروردگارشان به آن‌ها توسّل می‌شوند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسناکند».

وامیر المؤمنین علیه السلام در باره‌ی مردگان می‌فرماید: «فهم جیره لا یجیبون داعیاً ولا یمنعون ضیماً ولا یبالون مندبة»<sup>(۱)</sup>.  
«پس ایشان همسایگانی بی‌زبان‌اند، نه خواننده را پاسخ می‌دهند، نه ستمی را باز می‌دارند، و نه به نوحه‌گری توجه میکنند».

همچنین امیر المؤمنین علیه السلام در وصف مردگان می‌فرماید: «لا فی حسنة یزیدون ولا من سیئة یتعتبون»<sup>(۲)</sup>.  
«نه بر کارهای نیک در چیزی افزایشند، و نه عذری توانند

(۱) نهج البلاغة ۲۲۰/۱ خطبة ۱۱۱.

(۲) نهج البلاغة ۱۵/۲ خطبة ۱۳۲.

خواست از کارِ زشت و ناخوشایند».

### انتظار شفاعت و توسل

۲- صاحبان قبر را شفیع و واسطه قرار می دهند و گویا آنان او را به خداوند نزدیک می کنند، در حالیکه خداوند متعال در قرآن کریم به نقل از مشرکین این عمل زشت را مذمت نموده است:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ (۱).

«هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی گزینند و بدانان تقرب و توسل می جویند، می گویند: ما آنانرا پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند».

و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَتُّوْا شَفَعَتُنَا عِنْدَ اللَّهِ

(۱) سوره زمر آیه ۳.

قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ  
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ<sup>(۱)</sup>.

«و به جای خداوند چیزی را می پرستند که به آنان زیانی  
نمی رساند و سودی به آنان نمی بخشد و می گویند: اینان در نزد  
خداوند شفیعان ما هستند».

و امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به امام حسن علیه السلام  
فرمود: «واعلم أن الذي بيده خزائن السموات والأرض قد  
أذن لك في الدعاء وتكفل لك الإجابة وأمرك أن تسأله  
ليعطيك، وتسترحه ليرحمك، ولم يجعل بينك وبينه من يحجبه  
عنك، ولم يلجئك إلى من يشفع لك إليه»<sup>(۲)</sup>.

«و بدان! کسی که گنجینه های آسمان و زمین در دست  
اوست تو را در دعا رخصت داده و پذیرفتن دعایت را بر عهده  
گرفته است، و به تو گفته است «که از من بخواه تا به تو بدهم، و  
از او بطلب تا تو را بیامرزد. و میان تو و خود کسی را نگمارده تا  
تو را از وی باز دارد، و از کسی ناگزیرت نکرده که نزد او برایت

(۱) سوره یونس ۱۸.  
(۲) نهج البلاغة نامه: ۳۱.

میانجی گری آرد»<sup>(۱)</sup>.

کمک خواستن از هرده

خواندن صاحبان قبر و کمک خواستن از آنان به نص قرآن کریم شرك است، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

«اگر آنها را (برای حل مشکلات و رفع گرفتاریهای خود) به فریاد بخوانید، صدای شما را نمی شنوند، و بفرض اگر هم بشنوند، توانائی پاسخگوئی به شما را ندارند، و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرك ورزیدن شما را رد می کنند (و می گویند: شما ما را پرستش نکرده اید و بی خود می گوئید). و هیچ کسی همچون (خداوند) آگاه (از احوال آخرت، به گونه قطع و یقین) تو را از چنین مطالبی با خبر نمی سازد».

و می فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا

(۱) ترجمه از دکتر جعفر شهیدی.

(۲) فاطر ۱۴.

حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا هُمْ أَعْدَاءَ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿<sup>(۱)</sup>﴾ .  
 «چه کسی گمراه‌تر است از آنها که موجوداتی غیر از خدا را پرستش می‌کنند که اگر تا قیامت هم آنان را بخوانند پاسخ شان نمی‌گویند؟ و از دعا و ندای آن‌ها غافلند! و هنگامی که مردم مشرک در قیامت محشور می‌شوند معبودهای آن‌ها خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می‌کنند» .  
 و می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ <sup>(۲)</sup> .  
 «مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید» .  
 و امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فَسَأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ، وَلَا تَسْأَلُوا بِهِ بِخَلْقِهِ، إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ بِمِثْلِهِ» <sup>(۳)</sup> .  
 «پس از خدا بخواید به وسیلت قرآن، و بدان روی آرید به دوستی آن، و به قرآن خیری نخواهید از آفریدگان، که بندگان روی به خدا نکردند با وسیلتی مانند قرآن» .  
 همچنین امیر المؤمنین علیه السلام در وصیتش به پسرش امام حسن می‌فرماید: «وَأَلْحِمْ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ

(۱) سوره احقاف آیه ۵ - ۶ .

(۲) سوره جن آیه ۱۸ .

(۳) نهج البلاغة خطبة ۱۷۶ .



تُلَجِّئُهَا إِلَى كَهْفٍ حَرِيْزٍ وَمَانِعٍ عَزِيْزٍ. وَأَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ  
فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَالْحِرْمَانَ»<sup>(۱)</sup>.

«در همه کارها نفس خود را به پناه پروردگارت متوجه کن،  
که به پناهگاهی استوار، و نگاهبانی پایدار روی آورده ای، و  
آنچه می خواهی تنها از پروردگارت بخواه، که به دست اوست  
بخشیدن و محروم نمودن».

و از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: خداوند به این  
دلیل ابراهیم علیه السلام را خلیل خودش برگزید که او غیر از خدا به  
کسی روی نیاورده و غیر از ذات مقدس او از هیچ کسی چیزی  
نخواست<sup>(۲)</sup>.

ابراهیم بن محمد همدانی می گوید: خدمت ابی الحسن علی بن  
موسی الرضا علیه السلام عرض کردم خداوند فرعون را چرا غرق کرد  
در حالیکه او ایمان آورد و توحید را پذیرفت؟ فرمود: او هنگامی  
تظاهر به ایمان کرد که دیگر از همه چیز ناامید شده بود و چنین  
ایمانی پذیرفته نمی شود سپس فرمود: علت مهم دیگری هم  
دارد، و آن اینکه در آن شرایط دشوار که در آستانه غرق شدن

(۱) نهج البلاغه نامه ۳۱.

(۲) علل الشرائع ص ۳۴، عیون أخبار الرضا ۲/۷۵.

قرار داشت به جای اینکه از خداوند کمک بخواهد از موسی علیه السلام کمک خواست و طبعاً موسی نمی توانست به او کمک کند؛ اینجا بود که خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود که ای موسی! تو به این دلیل به فرعون کمک نکردی! که او را تو نیافریده ای؛ لذا چنین توانایی نداشتی، اگر او از من کمک می خواست، حتماً به او کمک می کردم<sup>(۱)</sup>.

نذر کردن برای هرده

نذر کردن برای قبر و صاحبان قبر و ذبح کردن حیوان در کنار آن از اعمال ناشایست و محرمانه است که به تعبیر قرآن کریم «أهل لغیر الله» محسوب می شود، چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ أَضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾<sup>(۲)</sup>.

«(خداوند تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک، و گوشت هر حیوانی را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن گفته

(۱) علل الشرائع ص ۵۹، عیون اخبار ارضا ۲/۷۶.

(۲) سوره بقره آیه ۱۷۳.

شود تحریم کرده است، ولی کسی که مجبور شود (برای نجات جان خویش از مرگ) از آنها بخورد گناهی بر او نیست، به شرط این که ستمگر و متجاوز نباشد، خدا غفور و رحیم است».

و می فرماید: ﴿ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴾<sup>(۱)</sup>.

«(کفار مکه و سایر مشرکان سهمی از زراعت و چهارپایان خود را برای خدا، و سهمی نیز برای بت ها قرار می دادند، و می گفتند: این قسمت مال خداست و این هم مال شرکای ما، یعنی بتهاست. سهمی را که برای بت ها قرار داد بودند هرگز به خدا نمی رسید، و اما سهمی را که برای خدا قرار داده بودند به بت ها می رسید، چه بد حکم می کنند».

از محمد بن سنان روایت است که امام رضا در پاسخ مسائلی که از ایشان پرسیده بود نوشت: «آنچه نام غیر خدا بر آن گفته شود حرام است، زیرا خداوند بر بندگانش واجب گردانیده

(۱) الاتعام ۱۳۶.

است که به یگانگی او اقرار و اعتراف کنند و هرگاه می خواهند حیوان حلال گوشتی را سر ببرند فقط نام او را در هنگام ذبح یاد کنند؛ تا اینکه بین آنچه برای خدا ذبح می شود و آنچه برای پرستش بتها و شیاطین تقدیم می گردد، فرقی وجود داشته باشد، زیرا یاد کردن نام الله عزوجل اقرار به توحید و ربوبیت پروردگار است و اما آنچه که برای غیر خدا تقدیم می گردد در حقیقت شرك است. و گویا عامل آن می خواهد بدینوسیله خودش را به آن مخلوق نزدیک کند. پس بردن نام الله در هنگام ذبح بدین جهت است تا بین آنچه که خداوند حلال و آنچه را که حرام کرده، فرق وجود داشته باشد»<sup>(۱)</sup>.

#### قسم خوردن به صاحب قبر

امام صادق از امام باقر و ایشان هم از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول گرامی صلی الله علیه و آله از غذا خوردن در هنگام تکیه دادن نهی فرموده اند. چند مورد دیگر از ممنوعات شرعی را بر شمردند که عبارتند از: قسم خوردن به غیر الله منع کردند و

(۱) علل الشرائع ص ۴۸۱ - ۴۸۲، عیون أخبار الرضا ۹۱/۲.

فرمودند: کسی که به غیر الله قسم بخورد، در نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد<sup>(۱)</sup>.

شیخ طائفه ابو جعفر طوسی مینویسد: قسم صحیح و معتبر در نزد آل محمد علیهم السلام این است که انسان به ذات الله متعال یا به یکی از اسمای گرامی او قسم بخورد، و هر قسمی که به غیر نام الله متعال یا اسمای گرامی او باشد هیچ اعتباری ندارد. سپس فرمود: جایز نیست که کسی به قرآن، و به پدر و مادرش، و به کعبه، و به پیامبر، و به هیچ يك از ائمه علیهم السلام قسم بخورد، اگر کسی به این چیزها قسم بخورد خطا کار است و قسمش از نظر فقهی اعتبار ندارد<sup>(۲)</sup>.

البته قول معتبر آن است که قسم به قرآن کریم جایز است زیرا قرآن کلام خداوند است و کلام خداوند، از صفات گرامی اوست.

عماد الدین طوسی می نویسد: «ولا يجوز اليمين بغیر الله»<sup>(۳)</sup>.  
«قسم خوردن به غیر خدا جایز نیست».

(۱) مکارم الأخلاق ص ۴۶۶.

(۲) النهایة ص ۵۵۵.

(۳) الوسيلة إلى نيل الفضيلة ص ۴۱۵.

طواف به دور قبر

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ایستاده آب ننوش، و به هیچ قبری طواف نکن، و در آب پاك بول نکن، اگر کسی چنین کرد و ضرری به او رسید از خودش بداند، اگر کسی يك بار این اعمال ناشایست را انجام دهد دیگر عادت میکند، مگر اینکه خدا بخواهد که توبه کند و برگردد<sup>(۱)</sup>.

حر عاملی در کتابش، وسائل الشیعة، بابی آورده است با این عنوان: (باب استحباب الدعاء بالمأثور عند زیارة القبور وعدم الطواف بالقبر)<sup>(۲)</sup>.

«باب مستحب بودن دعای وارده در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام زیارت قبر و عدم طواف بر قبر».

باب دیگری آورده با این عنوان (باب عدم جواز الطواف بالقبور)<sup>(۳)</sup>.

«بابی درباره ی جایز نبودن طواف بر قبرها»

(۱) علل الشرائع ص ۲۸۳، وسائل الشیعة ۱۰/۴۵۰.

(۲) وسائل الشیعة ۲/۸۸۲.

(۳) وسائل الشیعة ۱/۴۵۰.

سوگاری و به سر و صورت و سینه زدن

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «ضرب المسلم یده علی فخذہ عند المصیبة إحياء لأجره»<sup>(۱)</sup>.

«اینکه مسلمان در هنگام مصیبت و اندوه دستش را بر رانش بکوبد پاداشش ضایع می شود».

از طریق جابر بن عبدالله روایت است که فرمود: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم ما الجزع؟ «بی صبری چیست؟» فرمودند: بدترین بی صبری این است که سر و صدا کنی، فریاد بکشی، ناله کنی، به صورتت بزنی، به سینه ات بکوبی، مویت را بکشی، کسی که نوحه سرایی کند، صبر را ترك کرده است و راه نادرستی را در پیش گرفته است و کسی که صبر کند و إنا لله و إنا إليه راجعون بخواند و سپاس پروردگار را بجای آورد، به درستی که به تقدیر خدا راضی شده و پاداش او در نزد خداوند

(۱) فروع الكافي ۲۲۴/۳، وسائل الشیعة ۲/۹۱۴.

محفوظ است. و کسی که چنین نکند باز هم آنچه قضا و قدر الهی باشد، بوقوع می پیوندد، گرچه او ناراضی باشد، در این صورت خداوند اجر و پاداشش را ضایع می کند<sup>(۱)</sup>.

و از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: سه چیز است که نمی دانم کدامیک به اعتبار جرم و گناه بزرگتر است: کسی که هنگام مصیبت بر رانش میکوبد (که کنایه از بی صبری است اما با کمال تأسف امروز بعضی مردم به سر و سینه می زنند)<sup>(۲)</sup>.

مخلوط بودن زن و مرد در زیارتگاه ها

(۱) فروع کافی ۲۲۲/۳ - ۲۲۳، وسائل الشیعة ۲/۹۱۵.  
(۲) وسائل الشیعة ۲/۶۷۸.



متأسفانه یکی از بزرگترین مفسد اخلاقی در مزارها، جمع شدن ارازل و اوباش اعم از زن و مرد است که بسیار مشهور و طبیعی است. در چنین جاهایی با استفاده از فرصت، شیطان تلاش می کند هر چه بیشتر فضا را آلوده کند و به اعتراف خود مسئولین امروز مزارها بیش از هر جای دیگر محل قول و قرار ارازل و اوباش است. بویژه اینکه کلاه شرعی هم به نام ازدواج مؤقت یا صیغه وجود داشته باشد، و جالب اینکه در بعضی زیارتگاهها همین مجاوران عابدنا نقش دلال را به عهده دارند و برای خودشان مشتری جلب می کنند.

چند پرسش احتمالی و پاسخ آن

بعضی ها که از گنبد و بارگاههای مدرن امروز دفاع میکنند و به دلائل نامعلومی! آنرا وسیله ی نزدیکی بسوی الله میدانند، روایات ذکر شده ای را که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل کردیم تأویل های جور و اجور می کنند از جمله اینکه:

**اول:** قبور ائمه و انبیاء علیهم السلام از روایات مذکور مستثنی هستند.

پاسخ این است که در روایات مذکور بارها ذکر شده که پیامبران و امامان علیهم السلام صراحتاً از بلند کردن قبورشان منع کردند، و حد آن را چهار انگشت تا يك وجب تعیین نمودند، پس با توجه به این صراحت، چگونه می توان ادعا کرد که قبور پیامبران و امامان مستثنی است، بلکه قبور این بزرگواران بیش از قبور دیگران مورد نهی قرار گرفته است.

**دوم:** در بلند کردن قبور پیامبران و امامان و ساختن بنا بر آن مصلحت بزرگی است و آن اینکه قبرهای این بزرگواران همواره باقی خواهد ماند و از محو شدن و گم شدن آن جلوگیری خواهد شد.

پاسخ این است که این بهانه بی معنی است. هرگز کسی

نمیتواند قطعاً بگوید: که اگر بر روی قبری گنبد و بارگاه ساخته نشد نابود می شود، مثلاً قبرهای امام حسن و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق علیهم السلام و غیره، با اینکه بیشتر از حد شرعی بلند نشده اند و دهها سال است که گنبد و ضریح هم ندارند، نه تنها گم نشده، بلکه همواره مسلمانان آنها را زیارت کرده و به آنها سلام می فرستند و برایشان دعا می کنند.

سوره: هماهنگ بودن مردم بر ساخت قبرهای ائمه علیهم السلام و اینکه چون کسی با آن مخالفت نمیکند دلیل جایز بودن آن است.

پاسخ این است که از روایات خود ائمه علیهم السلام روشن می شود که اولین بار توسط خود رسول گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از بلند ساختن قبور جلوگیری شده است، بنابراین موضع مردم در این باره معتبر نیست، اولاً از کجا معلوم که همه مردم به این مزخرفات راضی باشند، اکثریت قاطع مردم مخالف چنین کارهای خلاف شرع و عقل هستند و درصد کمی هم که بر اثر کم سوادى و یا بی سوادى موافق به نظر می رسند باید دانست که خاموشى آنان به علت ناآگاهى شان است و هرگز دلالت بر

رضایت آنان نمی‌کند. چگونه ممکن است مردم به کار ناپسندی راضی شوند که رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام از آن نهی کرده‌اند؟ حد اقل می‌توان گفت: که رأی عموم مردم در يك مسئله شرعی که در آن نص صریح وجود دارد معتبر نیست، و قول معتبر، اجماع علماء و اهل حل و عقد از جمله خود ائمه علیهم السلام است که جز نهی صریح چیزی از آنان ثابت نیست.

**چهارم:** روایاتی که از ائمه علیهم السلام در جلو گیری از ساختن و بلند کردن قبور آمده از روی تقیه بوده است.

پاسخ این است که اولاً: هیچکدام از علماء این روایات را حمل بر تقیه نکرده‌اند، بویژه اینکه بعضی از این روایات به عنوان وصیت از امام برای فرزندانش آمده است که ممکن نیست امام فرزندان را به چیزی وصیت کند که خودش به آن معتقد نیست.

دوم اینکه شجاعت و صداقت اهل بیت بویژه ائمه علیهم السلام مانع چنین احتمال باطلی است، زیرا آنان نیز مانند همه حق پرستان و رهبران و مصلحان تاریخ از اظهار حق هراسی نداشتند و گرنه

نمی توانستند امام باشند، وانگهی چرا احتمال نمیدهیم که روایات جواز از روی تقیه باشد؟!؟

پنجم: روایاتی وجود دارد که ساختن و بلند کردن قبر و گنبد و ضریح را جایز می داند پس آن روایات مقدم است. پاسخ این است که روایات منع و جواز تقریباً مساوی است و بر فرض اگر روایات جواز بیشتر هم باشد اعتباری ندارد، چون دروغ گفتن که کاری ندارد، و دروغ پردازان در طول تاریخ کاری جز ضربه زدن به اسلام، آن هم از کانال دین نداشته اند، پس بیشتر بودن روایات هرگز دلیل بر درست بودن آن نیست. سوم اینکه روایات نهی با روایات رسول گرامی صلی الله علیه و آله و با روح قرآن کریم و شریعت محمدی هماهنگی دارد، اما خرافات هیچگونه سازگاری با دین ندارد. چهارم اینکه از نظر عقلی ساختن گنبد و بارگاه و ضریح، مخالف فطرت سلیم انسان است، چون هدف از روی آوردن به دین حنیف ابراهیم علیه السلام اعراض و روی گردانی از هر توجهی به غیر الله، روی آوردن بسوی الله است، پس وجود گنبد و بارگاه و ضریح با فلسفه دین

سازگار نیست، زیرا که توجه انسان را از خالق و معبود حقیقی به سوی بندگان عاجز بر می گرداند، یعنی بر خلاف کاری است که پیامبر و قرآن باید انجام دهند. و آن عبارتست از: برگردان توجه انسانها به خداوند ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ فَسْتَعِينُ﴾<sup>(۱)</sup>. «خدایا تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو کمک میخواهیم.» پیام صحابه رضی الله عنهم هم به سرداران روم و فارس و سایر قدرتها همین بود که ما آمده ایم تا بندگان را از پرستش بندگان نجات بخشیم و به پرستش پروردگارشان هدایت کنیم.

«لنخرج العباد من عبادة العباد إلى عبادة رب العباد»<sup>(۲)</sup>.

و نکته مهم تر اینکه مفاسدی که از ساختن قبرها و گنبدها و بارگاهها و ضریحها پیدا می شود خود می رساند که وجود این اماکن به نفع اسلام و مسلمین نیست و اعتقاد را تضعیف میکند، ایمان را سست می کند، باعث پدید آمدن شرك و خرافات میگردد، مفاسد اخلاقی را رشد می دهد، نصرت و رحمت

(۱) الفاتحة ۵.

(۲) البداية والنهاية لابن كثير ۶۲۱/۹، چاپ دار هجر، تحقيق عبدالله التركي.

خداوند را به تأخیر می اندازد، به آبرو و حیثیت اسلام لطمه میزند، قوت و توانایی مسلمین را به ضعف مبدل می کند، غیر مسلمانان را از پذیرش اسلام منصرف می کند، و صدها مفسد دیگری که در نتیجه ی وجود گنبدها و بارگاہا، و ضریح های بی شمار در جامعه ی اسلامی بوجود می آید.

در پایان باید عرض کنیم که قاعده ی: «درء المفسد مقدم علی جلب المصالح» «جلو گیری از مفسد بر جلب مصالح مقدم است». پس اگر مدافعان گنبد و بارگاه و ضریح استدلال هم داشته باشند استدلال شان در برابر(علاوه از نصوص و احادیثی که ذکر کردیم) مفسدی که از وجود این اماکن پدید می آید سست و بی پایه است.

خدایا! جامعه ی اسلامی ما را از وجود تمام موانع توحید و اسلام خالص، و دلهایمان را از تمام کدورتها و زنگارهایی که چه بسا مانع وحدت امت اسلامی گردیده پاک گردان، و ما را يك امت قوی و توانا بگردان آمین.